

کتاب دانیال — شماره یکصد و سی

انتقال نبوتی ایالات متحده: از پادشاهی ششم تا اتحاد سه گانه

Jeff Pippenger

2024-03-11

هنگامی که ایالات متحده قانون یکشنبه را که به زودی خواهد آمد به اجرا گذارد، دیگر ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس نخواهد بود و به یک سوم اتحاد سه گانه روم جدید انتقال خواهد یافت. رئیس جمهوری که قانون یکشنبه را به اجرا خواهد گذاشت، آخرین رئیس جمهور خواهد بود، و او رئیس جمهوری خواه خواهد بود. این امر بر پایه دو شاهد استوار شده است.

সালে, ১৮৬৩ ছিলেন প্রসেডিন্ট রপিবলকান প্রথম যিনি, লিংকন অ্যাব্রাহাম ভাববাণীমূলক পশুর পৃথিবীর ছলি এটি; করছেলিনে" উচ্চারণ "প্রোক্লমেশেন এম্যানসিপেশন এম্যানসিপেশন লিংকন যখন সালে ১৮৬৩। পথচহিন মধ্যবর্তী উচ্চারণের সেই ইতিহাসে; প্রসেডিন্ট রপিবলকান প্রথম ছিলেন তিনি তখন, করনে" উচ্চারণ "প্রোক্লমেশেন পৃথিবীর লিংকন অ্যাব্রাহাম। প্রতরূপস্বরূপ প্রসেডিন্টের রপিবলকান শেষে তিনি অতএব পশুর পৃথিবীর সঙ্গে একই এবং, করনে প্রতিনিধিত্ব পথচহিনকও শেষে পর্যায়ে প্রথম পশুর দ্বারা আদরি সরবদা যীশু। করনে প্রতিনিধিত্ব পথচহিনকও প্রথম পর্যায়ে দ্বিতীয় কথা ন্যায় ড্রাগনরে, শেষে শেষেরি পর্যায়ে দুই, পশু পৃথিবীর যখন। করনে চিত্তি অন্তক দ্বারা লিংকনরে যমেন, হবনে প্রসেডিন্ট রপিবলকান একজন প্রসেডিন্ট তখন, বলবে। হযছে পরতরিপতি

دومین شاهد بر اینکه آخرین رئیس‌جمهور، رئیس‌جمهوری جمهوری خواه است، دوره‌ای است که در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، با رونالد ریگان آغاز شد. دوره نبوی از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، به وسیله دوره نبوی آمادگی برای به تخت نشستن روم پایی در تاریخ ۵۰۸ تا ۵۳۸ بازنمایی شده است. آن دوره نبوی آمادگی برای توانمندسازی ضد مسیح در سال ۵۳۸، به واسطه سی سال آمادگی مسیح، یعنی از تولد او تا تعمیدش، نمونه وار پیش‌نماینده شد.

ضدّ مسیح را دوره‌ای سی‌ساله برای آماده‌سازی بود که سی سال آماده‌سازی مسیح را جعل و تقلید می‌کرد. یک دوره سی‌ساله آماده‌سازی برای مسیح، و نیز برای ضدّ مسیح، دو شاهد را برای دوره‌ای از آماده‌سازی جهت شفای زخم مهلک در قانون یکشنبه قریب‌الوقوع فراهم می‌آورد. آن دوره آماده‌سازی در زمان آخر در سال 1989 آغاز شد، درست همان‌گونه که دوره آماده‌سازی مسیح هنگامی فرا رسید که او متولد شد؛ تولدی که زمان آخر را در تاریخ نبوی او مشخص ساخت.

پیش از رئیس‌جمهور آخر، آیه دوم دانیال یازده تعلیم می‌دهد که شش رئیس‌جمهور خواهند بود که به آن رئیس‌جمهور ثروتمند می‌رسند که قلمرو جهانی‌گرایان را «به هیجان می‌آورد». نخستین آن شش رئیس‌جمهور رونالد ریگان بود، یک جمهوری‌خواه. رونالد ریگان و آبراهام لینکلن دو شاهد را فراهم می‌کنند. راه‌نشان شورش ۱۸۶۳، و خط رؤسای‌جمهور که از ۱۹۸۹ آغاز می‌شود، ویژگی‌های رئیس‌جمهور نهایی ایالات متحده را مشخص می‌سازند.

رونالد ریگن نماد نخستین است و بنابراین آخری را به تصویر می‌کشد. ریگن ستارهٔ پیشین رسانه‌ها بود؛ دموکراتی سابق که تغییر موضع داده و جمهوری‌خواه شده بود. او به سبب کاربرد تحریک‌آمیزش از زبان انگلیسی شناخته می‌شد. همچنین به حس شوخ‌طبعی خود معروف بود. او پروتستانی معرف بود، اما هنگامی که با ضد مسیح نبوت کتاب مقدس ائتلافی برقرار کرد، نشان داد که حقیقتاً

درنمی‌یافت پروتستان بودن چه معنایی دارد.

او طرفدار امریکا بود و از لحاظ سیاسی بیم‌ناک نبود. پیش از او، ناکارآمدترین رئیس‌جمهور در آن عصر سیاست مدرن بر سر کار بود، و سلف او در برابر مطالبات اسلام افراطی سر فرود آورده بود. شاید مهم‌ترین سخنی که بر زبان آورد، و کاری که انجام آن به نام او ثبت شده است، آن هنگام بود که گفت: «آقای گورباچف، این دیوار را فرو ریزید.»

دونلڈ ٹرمپ آخری کا ایک نشان‌ه، اور اسی لیے اس کی تمثیل پہلے کے ذریعے کی گئی ہے۔ ٹرمپ سابق ذرائع ابلاغ کا ایک ستاره تھا، ایک سابق ڈیموکریٹ جو ریپبلکن بن گیا تھا۔ وہ انگریزی زبان کے اشتعال انگیز استعمال کے لیے معروف ہے۔ وہ اپنے حس مزاح کے لیے بھی جانا جاتا ہے۔ وہ اپنے آپ کو پروٹسٹنٹ کہتا ہے، حالانکہ اس نے ظاہر کیا ہے کہ وہ درحقیقت اس بات کو نہیں سمجھتا کہ پروٹسٹنٹ ہونے کا کیا مطلب ہے، اور وہ جلد آنے والے سنڈے لا کے وقت بائبل کی نبوت کے مطابق دجال کے ساتھ اتحاد قائم کرے گا۔

او طرفدار امریکا است و از نظر سیاسی بی‌باک است. پیش از او در آن دوران از سیاست مدرن، بی‌اثرترین رئیس‌جمهور قرار داشت، و هنگامی که در سال 2024 دوباره انتخاب شود، بار دیگر ریاست‌جمهوری پیش از او قرار خواهد داشت که در عصر سیاست مدرن، جدیدترین بی‌اثرترین رئیس‌جمهور بوده است. در هر دو مورد، پیشینیان او به سبب سر فرود آوردن در برابر خواسته‌های اسلام رادیکال شناخته می‌شوند. بی‌تردید مهم‌ترین چیزی که او تاکنون اظهار کرده است، و بابت به انجام رساندن آن اعتبار خواهد یافت، این است: «دیوار را بسازید.»

این بدان معنا نیست که جیمی کارتر، باراک حسین اوباما و جو بایدن در دوران ریاست‌جمهوری خود بسیار کارآمد نبودند؛ بلکه سخن این است که کارآمدی آنان بر پایه تلاششان برای نابود ساختن اصولی استوار بود که در قانون اساسی ایالات متحده تقدیس و تثبیت شده است، همان سندی که هر یک از ایشان سوگند یاد کرده بودند آن را پاس دارند و از آن حراست کنند؛ و نیز همراه با این واقعیت که کارتر به اسلام اجازه داد تا گروگان‌ها را تا زمان انتخاب ریگان در اسارت نگه دارد، و اوباما سفری از سر عذرخواهی به جهان اسلام انجام داد و دست‌کم یک میلیارد دلار پول نقد به بانک اصلی اسلام افراطی پرداخت، و سابقه بایدن در حمایت از اسلام چنان طولانی است که قابل فهرست کردن نیست.

رونالد ریگان کار فرو ریختن دیوار نمادینی را که «پرده آهنین» خوانده می‌شد، به انجام رسانید، و در 11 نوامبر 1989 دیوار برلین فرو افتاد تا آن فتح روحانی را با نشانه‌ای واقعی مشخص سازد. ترامپ دیوار نمادین جدایی کلیسا و دولت را فرو خواهد ریخت، و وای سوم نشانه‌ای واقعی از آن رویداد فراهم خواهد کرد. آن رویداد دوره مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار تن را، که با آمدن اسلام وای سوم آغاز شد و نشانه‌ای واقعی برای شناسایی آغاز کار روحانی دوره مهر شدن فراهم آورد، به پایان خواهد رساند. 7 اکتبر 2023 نقطه میانی سه نشانگر واقعی تاریخی زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار تن را فراهم آورد.

در میانه آن تاریخ مهرگذاری، ششمین رئیس‌جمهور از زمان رونالد ریگان، به‌طور نمادین و سیاسی به‌دست وحش برآمده از هاویه ترور شد. وحش هاویه در آغاز زمان مهرگذاری، اسلام بود که نماینده محمد است، نمادی از نبی کاذب. وحش هاویه در پایان زمان مهرگذاری، همان وحش دریایی کاتولیسیم است که آنگاه زخم مهلک آن شفا می‌یابد. وحش هاویه که در میانه زمان مهرگذاری صعود می‌کند، وحش الحاد، یعنی اژدها، است. وحش اژدها از هاویه، در میانه زمان مهرگذاری، آن دو شاهد را در مکاشفه، فصل یازدهم، می‌کشد.

اژدهای جناح دموکرات طرفدار برده‌داری در جنگ داخلی ایالات متحده، به معنای واقعی کلمه، نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه را کشت. جنگ داخلی به‌طور رسمی در ۹ آوریل ۱۸۶۵ پایان یافت، و لینکلن یک هفته بعد، در روز پانزدهم، درگذشت، هرچند روز پیش از آن به او شلیک شده بود. جنگ در سبت روز هفتم پایان یافت، و لینکلن نیز در سبت روز هفتم درگذشت.

جهانی‌گرایی که بر ضد آن رئیس‌جمهور ثروتمند و قدرتمند بیدار شده بودند (برانگیخته شده بودند)، در ۳ نوامبر ۲۰۲۰ یک ترور سیاسی را به انجام رساندند. آن وحش برآمده از هاویه، نمایانگر وحش اژدها بود که به‌گونه‌ای نمادین آخرین رئیس‌جمهور جمهوری خواه را کشت، چنان‌که مرگ واقعی نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه نمونه‌ای از آن بود. کلام خدا مشخص می‌سازد که پس از آنکه جهان بر مرگ او شادمانی کرد، او بر پای‌های خود خواهد ایستاد. اکنون در سال ۲۰۲۴ هستیم، و آشکار است که ترامپ، با وجود همه جنگ حقوقی، دروغ‌ها، تبلیغات و پولی که علیه او به کار گرفته می‌شود، دوباره به حیات بازگشته است.

در آن منازعه‌ای که در ایالات متحده آشکار می‌شود و بدین‌سان همان منازعه را در جهان پیشاپیش به تصویر می‌کشد، قدرتی شیطانی از زیر برخاوه خاست، در همان زمانی که قدرت خدا، آن‌گونه که به‌وسیله باران آخر نمایانده شده است، از بالا فرو می‌آید.

در تاریخ یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی در ایالات متحده خواهد آمد، اسلام وای سوم همچون دودی از هاویه برآمد، که نمایانگر دود ساختمان‌های در حال سوختن در آغاز آن تاریخ بود. در سال ۲۰۱۶، بیداری‌گرایی کمونیستی جهانی‌گرایان صعود کرد تا آن دو شاهد را بکشد. سپس، در قانون یکشنبه‌ای قریب‌الوقوع، پاپیت، که آنگاه هشتمین وحش از آن هفت خواهد شد، به تخت زمین صعود خواهد کرد، آنگاه که زخم مهلک آن شفا یابد.

وحشی که نمایانگر قدرتی هستند که از زیر برمی‌خیزد، در زمانی که باران آخر به‌عنوان قدرتی از بالا فرو می‌ریزد، یک «حقیقت» نبوی را نمایندگی می‌کنند. نخستین آنچه باید همچون دود صعود کند، اسلام وای سوم است، در زمانی که صدای نخست مکاشفه باب هجده به صدا درمی‌آید، و آن هنگامی صعود می‌کند که باران آخر آغاز به «اندازه‌گیری» شدن می‌نماید. آخرین وحشی که صعود می‌کند، پاپیت است، در زمانی که صدای دوم مکاشفه باب هجده به صدا درمی‌آید، و آن هنگامی صعود می‌کند که باران آخر بی‌پیمانه فرو ریخته می‌شود.

اولی، آخری را نمونه‌وار باز می‌نمایاند، و آن وحشی که در میانه برمی‌خیزد، همان وحش جهانی‌گرایی الحادی است که در سال ۲۰۲۰ دو شاهد را کشت. یکی از آن دو شاهد، شاخ پروتستان بود، و دیگری، شاخ جمهوری خواه. شورش و هرج‌ومرج مرتبط با وحش الحاد، با سیزدهمین حرف الفبای عبری نمود می‌یابد، و آن وحش برخاسته از چاه بی‌انتها، در میان نخستین و آخرین وحش برخاسته از چاه بی‌انتها ظاهر شد؛ و این، تعریف واژه عبری «حقیقت» را پدید می‌آورد، هرچند حقیقتی باشد که قدرت شیطانی‌ای را مشخص می‌سازد که از پایین می‌آید، در زمانی که قدرت آسمانی از بالا می‌آید.

سه روز و نیم پس از آن‌که آن دو شاهد کشته شدند، «صدای میانه» آغاز به طنین‌افکندن کرد. آن «صدای نداکننده‌ای در بیابان» بود. آن صدا «پایان» صدای آن رسولی بود که راه را برای رسول عهد مهیا می‌سازد، و آغاز صدای الیاس، که مردان و زنان را به کوه کرمل فرا می‌خواند.

«برادران و خواهران، ای کاش می‌توانستم چیزی بگویم تا شما را به اهمیت این زمان و معنای رویدادهایی که اکنون در حال وقوع است بیدار سازد. توجه شما را به جنبش‌های تهاجمی‌ای جلب می‌کنم که اکنون برای محدود ساختن آزادی مذهبی در جریان است. یادبود مقدس خدا فرو افکنده شده است، و به جای آن، سبتی کاذب که هیچ قداستی ندارد، در برابر جهان ایستاده است.

و در حالی که قدرت‌های ظلمت عناصر را از زیر برمی‌انگیزند، یهوه، خدای آسمان، قدرتی از بالا می‌فرستد تا با برانگیختن عاملان زنده خود برای سرافراشتن شریعت آسمان، به این وضعیت اضطراری پاسخ دهد. اکنون، همین اکنون، زمان کار کردن ما در کشورهای خارجی است. هنگامی که آمریکا، سرزمین آزادی مذهبی، با پاپیت متحد شود تا بر وجدان زور آورد و مردم را وادار سازد که به سبت کاذب حرمت نهند، مردم هر کشوری در سراسر جهان به پیروی از نمونه او کشانده خواهند شد. قوم ما حتی نیمه‌بیدار هم نیستند تا با همه توان خود، و با امکاناتی که در دسترس دارند، پیام هشدار را گسترش دهند.»

«خداوند، خدای آسمان، داوری‌های خویش را به سبب نافرمانی و تعدی بر جهان نخواهد فرستاد، مگر آنکه نخست دیده‌بانان خود را برای ابلاغ هشدار فرستاده باشد. او دوران مهلت آزمایش را پایان نخواهد داد تا زمانی که این پیام به‌گونه‌ای روشن‌تر اعلام شده باشد. شریعت خدا باید بزرگ داشته شود؛ مطالبات آن باید در ماهیت راستین و مقدسش عرضه گردد تا مردم برانگیخته شوند که به سود یا به زیان حقیقت تصمیم بگیرند. با این همه، این کار در عدالت به اختصار به انجام خواهد رسید. پیام عدالت مسیح باید از این کران زمین تا آن کران طنین‌انداز شود تا راه خداوند را مهیا سازد. این است جلال خدا که کار فرشته سوم را به پایان می‌رساند.» شهادت‌ها، جلد ۶، صص. ۱۸، ۱۹.

پیامی که در پایان ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز شد، اکنون «به‌روشنی اعلام می‌دارد» آن «هشدار» را، و «اهمیت این زمان و معنای رخدادهایی را که اکنون در حال وقوع‌اند» مشخص می‌سازد. این پیام به‌روشنی «قدرت‌های تاریکی» را معرفی می‌کند که «عناصر را از زیر برمی‌انگیزند»، و نیز اینکه «یهوه، خدای آسمان» در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز کرد به «فرستادن قدرت از بالا». این پیام «از این سوی زمین تا آن سوی دیگر» «پیام پارسایی مسیح» را «به صدا درمی‌آورد». اکنون زمان آن است که «بیدار شویم» «به اهمیت این زمان»، زیرا خدا اکنون خواهد آغازید که «داوری‌های خود را به سبب نافرمانی و تعدی بر جهان فرو فرستد».

و نه نبوتی سلسله جو آیت چالیس میں ۱۷۹۸ کو وقت آخر کے طور پر پیش کرتا ہے، دانی ایل گیارہ کی آیت چالیس میں ۱۷۹۸ کو وقت آخر کے طور پر پیش کیے گئے اندرونی نبوتی سلسلے کی بیرونی تاریخ پر زور دیتا ہے۔ اس آیت میں ۱۹۸۹ سے شروع ہونے والی نبوتی تاریخ، پاپائی روم کے مہلک زخم کے شفا پانے کے تین مرحلوں پر مشتمل عمل کی نشان دہی کرتی ہے۔ ۱۹۸۹ سے لے کر اس وقت تک جب یہ زخم آنے والے قریب کے اتوار کے قانون پر شفا پا جائے گا، ایک مخصوص نبوتی مدت کی نمائندگی کرتا ہے۔ دانی ایل گیارہ کی آیت دو ایک دوسری سطر کا اضافہ کرتی ہے، کیونکہ وہ ۱۹۸۹ میں رونالڈ ریگن سے آغاز کرتے ہوئے ریاستہائے متحدہ کے صدور کے نبوتی کردار کی نشان دہی کرتی ہے۔ وہ نبوتی مدت زمانہ جو اتوار کے قانون تک لے جاتی ہے، اپنی ایک دوسری گواہی ۵۰۸ سے ۵۳۸ تک کی تیاری کے ان تیس برسوں میں رکھتی ہے، جب پاپائیت پہلی بار تخت نشین ہوئی اور اسی سال ایک اتوار کا قانون نافذ کیا۔

مسیح در سی سالگی تعمیر یافت و خدمت سه سال و نیمه خود را آغاز کرد. پاپیت بدل شیطانی مسیح است، و سی سال میان ۵۰۸ تا ۵۳۸، بدل سی سال نخست زندگی مسیح است که به تعمیر او انجامید. خدمت سه سال و نیمه او نیز به وسیله سه سال و نیم نبوی جعل شد؛ سال‌هایی که در آن پاپیت خدمت مرگ خود را، به عنوان بدلی از خدمت حیات مسیح، به جهان عرضه کرد.

در پایان خدمت او، مرد، در روز هفتم در قبر آرام گرفت، و سپس قیام کرد. در سال ۱۷۹۸، در پایان خدمت شیطانی پاپیت به مدت سه سال و نیم نبوی، پاپیت زخم مهلک خود را دریافت کرد؛ سپس به مدت هفتاد سال نمادین به فراموشی سپرده شد، تا آنکه به عنوان هشتمین، که از آن هفت است، احیا گردد. مسیح در روز نخست هفته قیام کرد، اما از نظر توالی، روز نخست همان «روز هشتم» است، و آن «از آن هفت» روزی است که مسیح آفرید. عدد هشت نمایانگر «قیام» است، و پاپیت نیز

احیا می‌شود، زیرا همان یک مملکت از میان ممالک نبوت کتاب مقدس است که دریافت زخمی مهلک برای آن مشخص شده است.

پولس تصریح می‌کند که هنگامی که خدا اسرائیل باستان را از میان دریای سرخ گذرانید، تعمید به‌گونه‌ای نمادین به تصویر کشیده شد.

علاوه ازیں، اے بهائیو، میں نہیں چاہتا کہ تم اس بات سے بے خبر رہو کہ ہمارے سب باپ دادا بادل کے نیچے تھے، اور سب کے سب سمندر میں سے گزرے؛ اور سب نے بادل میں اور سمندر میں موسیٰ کے لیے بپتسمہ لیا۔ 1 کرنتھیوں 10:1، 2

رسم تعمید برای اسرائیل روحانی، جایگزین رسم ختنه برای اسرائیل ظاهری شد، و ختنه می‌بایست در روز هشتم انجام می‌گرفت. از این رو، مسیح در روز هشتم، که از آن هفت است، قیام کرد؛ و هنگامی که پاپیت به‌عنوان هشتمی که از آن هفت است، احیا می‌شود، آن موازات شیطانی خط مسیح است. سی سال آمادگی برای آن که پاپیت بر تخت نشانده شود، به‌وسیله سی سال زندگی مسیح در آمادگی برای تعمید او، خدمت او و مرگ او به‌گونه‌ای نمادین پیش‌نمایی شده بود. هر دوی آن خطوط دوره‌ای را مشخص می‌کنند که به مرگ ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس منتهی می‌شود. هر دو خط نمایانگر آخرین دوره حیوان زمین هستند. در خط مسیح، ولادت او «زمان آخر» برای آن تاریخ را مشخص کرد.

پس، ما چهار خط داریم. زمان آخر آیه چهل در سال 1989 تا قانون یکشنبه آیه چهل و یک. ارائه رؤسای جمهور در آیه دو، و سی سال آمادگی برای هر دو، مسیح و ضد مسیح. سی سال مسیح در «زمان آخر» در خط او آغاز شد، که با تولد او مشخص گردید. زمان آخر در سال 1798، به‌وسیله پایان اسارت هفتادساله اسرائیل تحت اللفظی در بابل تحت اللفظی نمونه‌سازی شده بود. بنابراین، آیه دو از دانیال یازده با داریوش آغاز می‌شود، زیرا داریوش در سقوط بابل به سلطنت رسید. 1989 زمان آخر در آیه چهل است، و آیه دو از دانیال یازده نیز زمان آخر است، و سی سال آمادگی مسیح در «زمان آخر» آغاز شد. سه تا از این چهار خط، «زمان آخر» را به‌آسانی به‌عنوان نخستین نشانه راه مشخص دارند.

دو خط دویست و بیست ساله در حرکت فرشته اول و حرکت فرشته سوم، عدد دویست و بیست را به‌عنوان نمادی از پیوند میان بشریت و الوهیت معرفی می‌کنند. آغاز پیوند نمادین دویست و بیست ساله‌ای که در 1776 شروع شد، به 1996 منتهی گردید.

آن زمانه میلرانی تاریخ میں 1611 سے 1831 تک کے دو سو بیس برسوں سے مماثل تھا۔ 1776 میں اعلان آزادی سے لے کر 1798 تک، جب زمینی درندے نے بائبل کی نبوت کے چھٹے مملکت کے طور پر تخت سنبھالا، کا عرصہ اُن دو سو بیس برسوں کے اندر موجود تین نشان راہ میں سے پہلے دو کی نمائندگی کرتا ہے، جو 1996 میں اختتام پذیر ہوئے۔

۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ نمایانگر دوره‌ای است که به توانمند شدن ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس منتهی می‌شود، و از این رو با سی سال آمادگی مسیح و ضد مسیح هم‌راستا است. دوره‌ای که پیش از توانمند شدن وحش زمین قرار دارد، نمایانگر دوره‌ای است که پیش از توانمند شدن اتحاد سه‌گانه قرار دارد، که همان وحش هشتم است که از آن هفت می‌باشد. وحش هشتم، که از آن هفت است، دومین و آخرین ظهور پاپیت در حکومت بر جهان است. در نخستین ظهور پاپیت در حکومت بر جهان، دوره‌ای سی‌ساله از آمادگی وجود داشت.

سطراً فوق سطر، اِنّ تاریخ 1989 اِلی قانون الأحَد؛ وتاریخ الثلاثین سنة التي أدّت اِلی 538؛ وتاریخ الثلاثین سنة التي أدّت اِلی معمودية المسيح؛ وتاریخ الآية الثانية من دانیال الحادي عشر، ابتداء من رونالد ریغان اِلی قانون الأحَد؛ وتاریخ 1776 اِلی 1798؛ جميعها تمثّل التاريخ نفسه في الأيام الأخيرة.

ومن الجوهری أن یکون هذا الأمر واضحاً، لأن التاريخ الذي يبدأ في 1776 ويمتد إلى 1798 هو الخط الذي يجمع جميع الخطوط معاً في وضوح.

در آن خط از تاریخ نبوی، که تاریخ پایانی وحش زمینی مکاشفه سیزده است، یک خط داخلی وجود دارد که قوم خدا را، چنان که به وسیله شاخ پروتستانتیسم حقیقی نمایان شده‌اند، مخاطب می‌سازد؛ و نیز یک خط خارجی وجود دارد که به وسیله شاخ جمهوری‌خواهی نمایان می‌شود. در هر دو شاخ، کشمکش و مجادله‌ای دوگانه وجود دارد که نبوت به آن می‌پردازد. ما عناصر نبوی اژدها، وحش، نبی کاذب و اسلام را که در تاریخ ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه ظاهر می‌شوند، شناسایی کرده‌ایم.

ویژگی نبوی اژدها این است که او پدر دروغ‌هاست، او قاتل است، و او رهبر توطئه‌های پنهانی بر زمین است، همان‌گونه که در آسمان نیز بود. دین او اسپیریسم است. او پیشوای آن چیزی است که امروز «lawfare» نامیده می‌شود؛ او وکیل ناپاک است، مدعی برادران ما، چنان که در محکمه آسمانی نیز بود، آنگاه که درباره اطاعت و ایمان ایوب منازعه کرد، و آنگاه که درباره بدن موسی منازعه نمود، و نیز چنان که بر سر کار مسیح در برکندن جامه‌های چرکین از یوشع در باب سوم زکریا بیشتر منازعه کرد. او همان کسی است که بر پادشاهی‌ها حکم می‌راند، و همان کسی است که خویشتن را چون خدا برمی‌افرازد.

دنداری وحش، کاتولیسیسم است، و او همان زنی است که جهان را از طریق سنت‌ها و آدابی فریب می‌دهد که پیروان خود را بر آن می‌دارد باور کنند باید آنها را برتر از کلام خدا اطاعت کرد. او جهان را به وسیله جادوگری‌های خود فریب می‌دهد، که در مکاشفه فصل هجده آیه بیست‌وسه، واژه یونانی pharmakeia است، به معنای «داروها». او همان کسی است که با پادشاهان زمین زنا می‌ورزد. او بدل آن یگانه‌ای است که مرده بود، اما دوباره زنده است. او همان کسی است که فراموش می‌شود و سپس به یاد آورده می‌شود، و او هشتمین است که از آن هفت است. او همان وحشی است که ایالات متحده صورتی از آن و برای آن پدید می‌آورد.

نبی دروغین، پروتستانتیسم مرتد است؛ همان که به ناحق مدعی چیزی است که کلام خدا آن را انکار می‌کند، و چون کلام خدا را انکار می‌کند، از قدرتی که کلام خدا فراهم می‌آورد بی‌بهره است. بدون قدرت کلام خدا، کلیسا یا قومی که همچنان با گستاخی مدعی‌اند قوم خدا هستند، از لحاظ منطقی ناگزیر می‌شوند بر قدرت مدنی تکیه کنند تا وانمود سازند که در حال انجام کار خدا هستند. پروتستانتیسم مرتد همان انبیای بعل و عشتاروت است که برای ایزابل و هیرودیا آن رقص فریبنده را فراهم می‌آوردند، و ایشان همان سالومه، دختر هیرودیا، هستند.

این سه قدرت در اتحادی سه‌گانه با یکدیگر گرد می‌آیند، اما در واقع از یکدیگر نفرت دارند. بدون درک این واقعیت که آنان با یکدیگر در نزاع‌اند، فهم این که چگونه ده پادشاه (سازمان ملل متحد) موافقت خواهند کرد پادشاهی خود را به پاپیت بسپارند، و در همان فصل گوشت او را بخورند و او را با آتش بسوزانند، ناممکن است. جدال میان این قدرت‌ها باید به شاگردان خدا در نبوت تعلیم داده شود.

اسلام بوق هفتم است، و به عنوان سومین وای، ابزار داوری‌ای است که خدا برای فرود آوردن داوری بر بابل جدید به کار می‌گیرد؛ همان‌گونه که چهار بوق نخست بر روم غربی بت‌پرست داوری آوردند، و بوق‌های پنجم و ششم بر روم پاپی و روم شرقی بت‌پرست داوری نازل کردند.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«در این ایام دارای اهمیت ویژه، شبانان گله خدا باید به مردم تعلیم دهند که قوای روحانی در کشاکش و منازعه‌اند. این انسان‌ها نیستند که چنین شدت احساسی را که اکنون در جهان دینی وجود دارد پدید می‌آورند. نیرویی از کنیسه روحانی شیطان در عناصر دینی جهان نفوذ می‌دمد و

مردمان را به اقدام قاطع برمی‌انگیزد تا امتیازاتی را که شیطان به دست آورده است پیش برند، از این راه که جهان دینی را به جنگی مصمم بر ضد آنان که کلام خدا را راهنمای خود و تنها بنیاد تعلیم می‌سازند، سوق می‌دهد. اکنون کوشش‌های استادانه شیطان به کار گرفته می‌شود تا هر اصل و هر نیرویی را که بتواند به کار ببرد گرد آورد، تا ادعاهای الزام‌آور شریعت یهوه را، و به‌ویژه فرمان چهارم را که معین می‌سازد آفریننده آسمان‌ها و زمین کیست، مورد معارضه و ابطال قرار دهد.»

«مرد گناه اندیشیده است که اوقات و شریعت‌ها را تغییر دهد؛ اما آیا چنین کرده است؟ این همان مسئله بزرگ است. روم و همه کلیساهایی که از جام بی‌عدالتی او نوشیده‌اند، در آن که گمان برده‌اند اوقات و شریعت‌ها را تغییر دهند، خویشتن را برتر از خدا برافراشته‌اند و یادبود عظیم خدا، یعنی سبت روز هفتم را فرو افکنده‌اند. سبت می‌بایست پابرجا می‌ماند تا قدرت خدا را در آفرینش جهان در شش روز، و آرام گرفتن او در روز هفتم، نمایندگی کند. «از این رو، روز سبت را برکت داد و آن را مقدس شمرد»، زیرا در آن، از همه کارهای خویش که خدا آفرید و ساخت، آرام گرفته بود. مقصود کارکرد استادانه فریب‌دهنده بزرگ این بوده است که جای خدا را بگیرد. او در کوشش‌های خود برای تغییر اوقات و شریعت‌ها، در کار حفظ قدرتی بوده است که در مخالفت با خدا و برتر از او قرار دارد.»

«این است مسئله عظیم. اینک دو قدرت بزرگ که در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند: شاهزاده خدا، عیسی مسیح؛ و شاهزاده تاریکی، شیطان. اینک نزاع آشکار فرا می‌رسد. در جهان جز دو گروه وجود ندارد، و هر انسان تحت یکی از این دو پرچم قرار خواهد گرفت: پرچم شاهزاده تاریکی، یا پرچم عیسی مسیح.»

«خداوند فرزندان وفادار و راستین خود را به روح خویش الهام خواهد بخشید. روح‌القدس نماینده خداست، و در جهان ما عامل توانمند عمل‌کننده‌ای خواهد بود تا وفاداران و راستینان را برای انبار خداوند در دسته‌ها گرد آورد. شیطان نیز با فعالیت شدید مشغول است که از میان گندم‌ها، کرکاس‌های خود را در دسته‌ها گرد آورد.»

«تعلیم بر سچے سفیر مسیح کی اب نہایت پُربیت اور نہایت سنجیدہ اہمیت رکھتی ہے۔ ہم ایک ایسی جنگ میں مصروف ہیں جو اس وقت تک کبھی ختم نہ ہوگی جب تک تمام ابدیت کے لیے آخری فیصلہ نہ ہو جائے۔ یسوع کے ہر شاگرد کو یہ یاد دلایا جائے کہ ہم "خون اور گوشت سے نہیں، بلکہ ریاستوں سے، اختیاراتوں سے، اس دنیا کی تاریکی کے حاکموں سے، اور آسمانی مقاموں میں شرارت کی روحانی فوجوں سے کشتی کرتے ہیں۔" آہ، اس نزاع میں ابدی مفادات وابستہ ہیں، اور اس معاملہ کا سامنا کرنے کے لیے نہ کوئی سطحی کام ہونا چاہیے، نہ کوئی سستا تجربہ۔ "خداوند جانتا ہے کہ دینداروں کو آزمائش سے کیسے چھڑائے، اور ناراستوں کو عدالت کے دن تک سزا پانے کے لیے کیسے محفوظ رکھے۔۔۔ حالانکہ فرشتے، جو قدرت اور قوت میں ان سے بڑے ہیں، خداوند کے حضور ان پر الزام دشنام نہیں لاتے۔" جنرل کانفرنس ڈیلی بلیٹن، 4 مارچ، 1895۔